

# خودکفائی یا بازی با ارقام؟

نوشته دکتر منوچهر گیانی

اواخر خرداد ماه سال جاری قائم مقام وزارت جهاد در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

با اجرای طرح خودکفائی گوشت قرمز که از امسال شروع شده، سالانه ۲۳ هزار تن گوشت قرمز از واردات کشور کاهش می‌یابد و تولیدات داخلی جایگزین می‌شود...

... در راستای این طرح در دو سال ونیم دیگر ۱۷۵ میلیون دلار به خاطر وارد نکردن هفتاد هزار تن گوشت قرمز صرفه‌جویی ارزی می‌شود...

بیانات ایشان، نظیر مصاحبه‌های سایر مسئولین، بخصوص مسئولین بانک مرکزی که با درصدها بازی می‌کنند و ارقام حقیقی را یا فاش نمی‌سازند و یا بنحوی بیان می‌کنند که نمی‌توان پی به واقعیتها برد، روشن نمی‌سازد که در حال حاضر سالانه چه مقدار گوشت وارد کشور می‌شود و اگر قرار است هر سال ۲۳ هزار تن از واردات گوشت قرمز کسر شود، کی واردات این کالا به صفر خواهد رسید؟ آیا در دو سال ونیم آینده که به گفته ایشان ۱۷۵ میلیون دلار با کاهش ۷۰ هزار تن گوشت قرمز، صرفه‌جویی خواهد شد، واردات گوشت قطع می‌شود؟

طبق ارقام منتشر شده توسط خود وزارت جهاد

تولید گوشت قرمز که در سال ۱۳۵۷ حدود ۳۷۵ هزار تن بوده در سال ۱۳۶۸ به ۵۶۰ هزار تن و در سال ۱۳۷۴ به ۶۷۵ هزار تن رسید. به عبارت دیگر، میزان تولید در طول بیش از بیست سال، سالانه کمتر از ۱۵ هزار تن افزایش داشته است. اما این ازدیاد تولید بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ بیشتر بوده و بالغ بر ۱۸ هزار تن گوشت قرمز می‌شده است. اگر فرض کنیم که این ارقام دقیق

باشد که جای شک و تردید زیادی دارد. این افزایش سالانه تولید متأسفانه هماهنگ با رشد جمعیت نبوده و در حالیکه جمعیت کشور در طول این دوره تقریباً دو برابر شده، میزان تولید گوشت به همین نسبت افزایش نیافته است. اما خوشبختانه میزان افزایش تولید گوشت مرغ و تخم‌مرغ در طول بیست سال گذشته بیش از سه برابر بوده است. تولید گوشت مرغ از ۱۹۵ هزار تن و تخم‌مرغ از ۱۶۰ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به ۶۳۵ و ۵۱۶ هزار تن در سال ۱۳۷۴ رسیده است.

میزان مصرف هر کالائی در هر جامعه‌ای به عوامل اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر وابسته است، ولی اگر این عوامل و تغییرات آنها را نادیده انگاریم، علی‌الاصول میزان مصرف هر کالا بستگی به قیمت آن دارد. بدین ترتیب اگر قیمت کالائی افزایش یابد باید از میزان مصرف آن کاسته شود و بر عکس اگر قیمت آن کالا کاهش پیدا کرد، باید بر میزان مصرف آن افزوده شود. نرخ این افزایش و کاهش مصرف، مربوط می‌شود به «حساسیت نسبت به قیمت آن کالا». اگر حساسیت زیاد باشد، نوسان تغییر زیاد، و برعکس اگر حساسیت کم باشد، یعنی مردم مجبور باشند آن کالا را حتی به قیمت زیاد خریداری کنند، نوسان مصرف کم خواهد بود.

نان و گوشت و پنیر که ارزاق اولیه و حیاتی مردم کشور ما را تشکیل می‌دهند، دارای حساسیت کم هستند و هر قدر قیمت افزایش یابد، باز مردم مجبورند این ارزاق را برای سدجوع تهیه کنند و اگر هم از میزان مصرف کاسته شود، این نرخ کاهش به میزان افزایش قیمت نیست. بنابراین، تولید مداوم، و افزایش تولید سالانه باید آنقدر باشد که عرضه کالا بتواند تا حدودی نیاز و تقاضای مردم را تأمین کند و به علاوه، از یکسو مصرف‌کنندگان گوشت بتوانند قیمت‌ها را تحمل کنند و از سوی دیگر همین قیمت‌ها برای تولیدکنندگان گوشت یعنی دامداران، دامپروران و مرغداران مقرون به صرفه باشد. بدین ترتیب که آنان علاوه بر پوشش هزینه‌های مختلف خود، سود معقول و قابل قبولی - حداقل مساوی بهره بانکی در کوتاه مدت - داشته باشند. اگر

چنین شرایطی که احتیاج به تمهیدات گسترده و دقیق دارد، فراهم شود، بازار تولید و مصرف گوشت به سوی تعادل حرکت خواهد کرد و بعد از مدت کوتاهی به این تعادل دست خواهیم یافت، یعنی در این بازار هم برنامه‌ریزی‌های تولیدکنندگان با واقعیت تطبیق می‌کند و هم مصرف‌کنندگان از قیمت‌ها راضی هستند.

امامت‌آسفانه در ایران تولیدکنندگان گوشت قرمز و سفید بندرت قادرند برنامه‌ریزی کنند. و اگر هم اقدام به چنین کاری نمایند، برنامه‌های آنان با واقعیت تطبیق نمی‌کند، زیرا قیمت‌ها اکثر اوقات توسط سازمانهای دولتی تعیین می‌شود و هولو (نظیر جو، ذرت، گندم، سویا) توسط دولت مستقیماً یا شرکت‌های وابسته به دولت وارد می‌شود و قیمت آنها مرتباً در تغییر است و تولیدکنندگان باید مداوماً قیمت‌های بیشتری برای خرید جو، ذرت، آرد ماهی، پونجه، کنجاله (چه داخلی و چه وارداتی) بپردازند و بدین ترتیب برنامه‌های خود را تغییر دهند و از «نقطه تعادل» دور شوند. همین وضع و حالت نیز برای خانوارهای مصرف‌کننده وجود دارد و آنان نیز مجبور می‌شوند که با افزایش قیمت کالاهای اساسی - در صورت ثابت ماندن درآمدشان - یا از پس‌اندازهای بخود بکاهند و یا سهم مصرف خود را کاهش دهند!

## چوب حراجی در بخش دام!

این آشفتگی در بازار گوشت - بخصوص گوشت مرغ - ناشی از فقدان برنامه‌ریزی، عدم هماهنگی در تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیریهایی سریع و زودگذر، تعدد مراجع مسئول، توجه به علائق خاص مثلاً وارد کردن، آن هم از یک کشور خاص و بعضاً از یک شرکت خاص آن کشور است!

این عوامل سبب می‌شود که وقتی بحرانی پیش می‌آید، هیچ کس مسئول نیست، هیچ کس جوابگو نیست، هیچ مقامی به هیچ دادگاهی احضار نمی‌شود و هیچ خبرنگاری به حرم هیچ سازمانی و وزارتخانه‌ای راه نمی‌یابد. تا شخص مسئول و مقصری را نشانه رود و به افکار عمومی معرفی کند. حال بسته به این که بحران، یعنی کمبود، نایابی و در نتیجه افزایش قیمت کالا و درازی صفهای انتظار چقدر باشد، یکی از

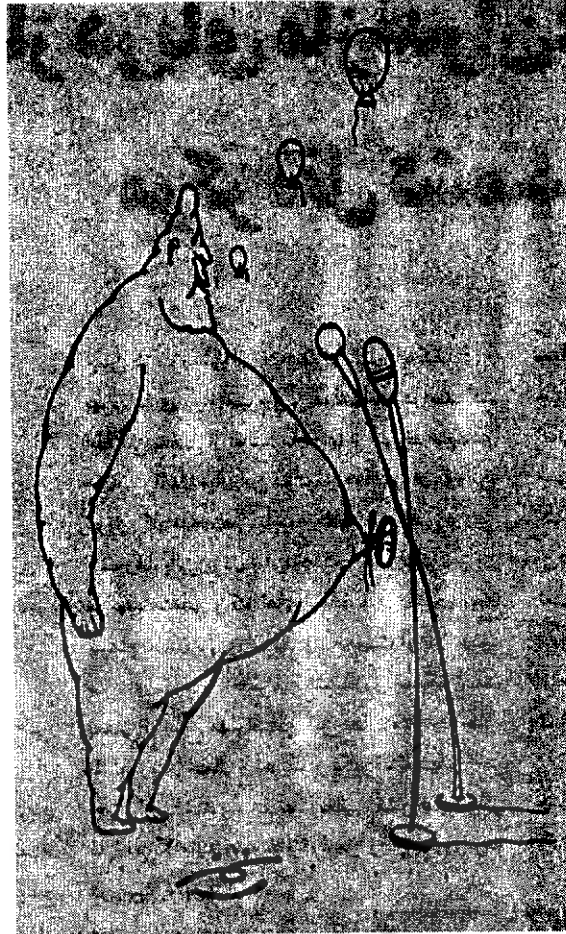
مسئولین وزارتخانه یا سازمان وارد صحنه می شود و در مصاحبه ای، بدون اشاره به وضعیت بحرانی و توجیه علل آن، اعلام می کند که بزودی دولت مثلاً ۱/۴ میلیون تن جو از خارج خریداری خواهد کرد تا بدینوسیله کمبود علوفه در داخل جبران شود (رجوع شود به مصاحبه قائم مقام وزیر جهاد مندرج در روزنامه رسالت مورخ ۱۳۷۶/۲/۳۱).

این مصاحبه قائم مقام وزارت جهاد که خود سالها وزیر امور اقتصادی و دارایی بوده و شاید یکی از آگاه ترین افراد به وضع اقتصادی کشور باشد در زمانی انجام شد که خشکسالی برای دومین سال آغاز شده و قیمت علوفه در حال افزایش بود و از طرف دیگر دولت قیمت گوشت و پنیر را تعیین کرده و از افزایش آن جلوگیری می کرد و گوسفندداران نه تنها پرواربندی خود، بلکه گله خود یعنی تمام موجودی دام خود را برای کشتار به کشتارگاهها می بردند و برای فروش عرضه می کردند. خیلی از گاوداران حتی گاوهای آبستن خود را به کشتارگاه بردند. این وضع نه تنها در استان تهران، بلکه در کل ایران جریان داشت و هنوز هم دارد.

#### این بحران نسبتاً وسیع باعث شد که بار

دیگر تعدادی از دامداران متوسط و کوچک نابود شوند و باز قشر کوچکی از طبقه متوسط جامعه حذف گردد و فاصله دو طبقه بالا و پایین بیشتر شود.

در این شرایط حق آن بود که قائم مقام وزارت جهاد پس از اخذ تصمیم های لازم در وزارتخانه و هم آهنگی با سایر مسئولین اعلام می کرد که به علت خشکسالی و خطر نابودی دام، بخصوص میش و گاو ماده و جلوگیری از زیان دامداران وزارت جهاد از همین امروز توسط نمایندگی ها ادارات خود و یا تعاونیهای دامداران برای هر رأس دام مقدار معین و کافی جو، کنجاله و غیره به قیمت دولتی که خیلی کمتر از بازار آزاد است تحویل می دهد، تا دامداران بتوانند چنین دوران سختی را پشت سر بگذارند و متحمل زیان شدید نشوند. بعلاوه به علت عرضه کشتار زیاد دام از واردات گوشت جلوگیری می شود تا مازاد کشتار جبران کمبود تولید داخل را بکند و معادل ریالی مبالغ صرفه جویی شده ارزی را به دامداران به صورت افزایش قیمت گوشت پرداخت کرده تا آنان از منطقه



گوسفند و بز و چندین هزار رأس گاو ماده علاوه بر کشتار عادی به صورت مازاد به کشتارگاه روانه شده اند. اثر کشتار میش ها و گاوهای ماده در سالهای آینده معلوم خواهد شد که بر روی موجودی دام و شیر تولیدی تأثیر خواهد گذاشت. اگر از میزان تولید شیر کنونی که حدود چهار میلیون تن در سال است کاسته شود، آنگاه نه تنها با افزایش جمعیت، تولید سرانه شیر کاهش می یابد، بلکه بر تولید پنیر و سایر فرآورده های لبنیاتی اثر گذاشته و میلیاردها تومان و دلاری را که در این زمینه سرمایه گذاری شده است، بی ثمر می سازد یا لاقط به بهره وری آنها صدمه می زند و باز مجبور خواهیم شد که پنیر بیشتری وارد کنیم و از خودکفائی دورتر شویم.

همچنین واردات گوشت قرمز، آنهم از ایرلند که همسایه انگلستان است و در این کشور جنون گاوی وجود دارد و بازرگانان انگلیسی سعی دارند با لطائف الحیل گوشت های آلوده به جنون گاوی را صادر کنند، این شایعه را در کشور رواج داده است که گوشت های وارداتی آلوده است و تکذیبهای رسمی نیز نتوانسته تا حدود زیادی جلوی این شایعات را بگیرد. از اینرو، شایسته است که وزارت جهاد رسماً اعلام کند که واردات گوشت را بنا بر حمایت از تولید داخلی متوقف می کند و قیمت گوشت را هم در حدی تعیین می کند که تولید آن چه برای پرواربندان و چه برای دامداران مقرون به صرفه باشد.



زیان دهی، خارج شده و بتوانند به حیات اقتصادی خود ادامه دهند و بدین ترتیب دامداران کوچک و متوسط از بین نروند، زیرا بحرانشا در وهله اول تولیدکنندگان کوچک و سپس متوسط را از بین می برد. تولیدکنندگان بزرگ با ذخایر و قدرت مالی خود می توانند تا مدتی دوام بیاورند.

#### دورنمای مبهم تولید

حال به جای چنین اقداماتی وزارت جهاد با اعلام واردات جو و کاهش سالی ۲۳ هزار تن گوشت قرمز مشکل را خاتمه یافته انگاشته و دنیا را در صلح و صفا پنداشته است. متأسفانه آماری در دست نیست که چند میلیون رأس

جمع آوری تاریخ کشور با دوره های صحافی شده

## ماهنامه گزارش

تعداد ۵۰ جلد از دوره های سوم، چهارم، پنجم و ششم ماهنامه تهیه و آماده توزیع است

کافی است برای خرید هر دوره مبلغ ۴۰ هزار ریال به حساب ماهنامه (در فرم اشتراک صفحه ۱۰) وارد و قبض آن را همراه با شماره دوره درخواستی به نشانی مجله ارسال فرمایید